



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵

شماره پیاپی ۱۳

معیارهای تعیین جزای نقدی اشخاص حقوقی در نظام کیفری ایران، آمریکا و انگلستان

دکتر محسن شریفی^۱

دکتر محمدجعفر حبیبزاده^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱

چکیده

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در معنای اهلیت آنها به تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه، اشخاص مزبور را به جرگه تابعان حقوق کیفری وارد، و آماج پاسخ‌های کیفری متناسب با ماهیت‌شان، از جمله جزای نقدی قرار می‌دهد. جزای نقدی نیز زمانی موجه می‌نماید که هدف‌های حقوق کیفری خاصه، پیامدگرایی را تأمین، و به منصفه ظهور رساند. نظام‌های کیفری برای تحقق این مهم، رَه‌یافت‌های گوناگونی را برگزیده و به بونهی آزمایش برده‌اند. قانون‌گذار ایران با تاسی از رویه‌ی نظام کیفری فرانسه، راه‌برد سه تا شش برابر کردن و نیز دو تا چهار برابر نمودن جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی - به ترتیب در قبال جرایم رایانه‌ای و سایر جرایم - را اتخاذ کرده است. نظام کیفری آمریکا با اتکا به اصول راهنمای کیفر کمیسیون تعیین کیفر ایالات متحده، از رَه‌گذر مرحله‌های پنج‌گانه - که مورد تدقیق این نوشتار قرار خواهند گرفت - نمره مجرمیت و درجه خطر رفتار شخص حقوقی را تعیین، و مجازات آن را مشخص می‌نماید. در انگلستان، شیوه نوین به خدمت گرفته شده برای ارتقای سطح بازدارندگی جریمه اشخاص حقوقی، خاصه در قبال جرایم مهمی چون قتل، کسر درصدی از درآمد واقعی آن‌هاست که بیان جزئیات آن برعهده این تحقیق خواهد بود. غایت این مقایسه، مشخص نمودن نارسایی‌های نظام کیفری ایران در این زمینه و ارائه راه‌کارهای فروگشا به‌منظور رفع آنها است.

واژگان کلیدی: اشخاص حقوقی، جرم، جزای نقدی، ریسک جرم، بازدارندگی.

✉ mohsen.sharifi181@gmail.com

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه طبرستان
۲. استاد حقوق کیفری دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

از نگاه مخالفان مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، توسل به زرادخانه کیفری و استفاده از سلاح مجازات، متعاقب فعالیت مجرمانه‌ی اشخاص حقوقی، آن‌گاه موجه می‌نماید که در حق اشخاص حقیقی قابل سرزنشی چون مدیران اشخاص حقوقی که ارکان تصمیم‌گیر و ترسیم‌کننده‌ی خط‌مشی آنها هستند، به موقع اجرا گذاشته شود و نه اشخاص حقوقی که به دلیل اعتباری بودن، نه روحی برای سرزنش شدن دارند و نه جسمی برای حبس شدن یا تنبیه گردیدن (Sahlool, 2013: 40). با این وجود، به تبع انقلاب صنعتی و سپس فرآیند خصوصی سازی، رویکرد مزبور از قرن بیستم، به‌ویژه از اواخر آن به این سو، رو به تضعیف گذاشت. چه، پدیده‌هایی چون انقلاب صنعتی و سپس خصوصی سازی، تعداد و نقش اشخاص حقوقی را در بعدهای مختلف زندگی اجتماعی افزون، و در عمل به قدرت‌های مدرن اجتماعی مبدل ساخت. قدرت‌های دو سوپه‌ای که هم‌گام با تأثیر مثبت خود در امر توسعه و رفاه اجتماعی، با در اختیار قرار گرفتن منابع‌های خطر و فعالیت‌های خطرناک، زیان‌های عدیده‌ای را در بعدهای مختلف به جامعه وارد، و فاجعه‌های دهشت‌ناکی را رقم زدند. تراژدی غم‌بار منجر به مرگ ۱۸۸ نفر در پی غرق کشتی هرالند در سال ۱۹۸۷^۱، آتش سوزی کینگز کروس^۲ و مرگ ۳۱ نفر در همان سال، حادثه‌ی ریلی کلپام^۳ در سال ۱۹۸۸ و به‌کام مرگ فرستادن ۳۵ نفر و ده‌ها مورد دیگر در انگلستان و سایر کشورها، شاهدیهایی مثالی بر این مدعا هستند (High, Edward, 2011: 60-67). این مهم و نیز عدم تکافوی ضمانت اجراهای مدنی در ممانعت از بروز چنین تالی فاسدی، نظام‌های حقوقی را در استفاده از ضمانت اجراهای کیفری از جمله جزای نقدی و تحمیل آنها بر خود اشخاص حقوقی مجاب، و بلکه ناگزیر نمود (Henning, 2009: 1426). بر این پایه، باید اذعان نمود که اشخاص حقوقی امروزی در جرگه‌ی مجرم‌های یقه سپیدی^۴ قرار گرفته‌اند که قادرند در راستای منافع خود مرتکب جرایم معتناهایی مانند قتل، تقلب‌های مالیاتی، سرقت، خیانت در امانت، پول‌شویی، کلاه‌برداری، جعل، ارتشا، جاسوسی، جرایم رایانه‌ای، جرایم سازمان‌یافته و جرایم امنیتی شوند و در عین حال از جایگاه اجتماعی، ثروت، نفوذ و اقتدار خود برای گریز از تعقیب، محاکمه و مجازات استفاده کنند. این زنه‌ار، در سال ۱۹۳۹ توسط ادوین ساترلند^۵ جامعه‌شناس و کیفر شناس مشهور آمریکایی داده شد و بر ضرورت تعقیب و پی‌گرد کیفری اشخاص مزبور تأکید گردید (Paternoster & Apel, 2011: 33). در هر شکل، برای خروج اشخاص حقوقی از اتخاذ سیاست‌های جرم‌زا، مواجه نمودن آنها با سیاست کیفری مبنی بر عدم تساهل و ضمانت اجراهای بازدارنده و پیامدگرا ضروری می‌نماید.

1. M V Herald of Free Enterprise, Report of Court No. 8074, 29th July 1987, Department of Transport, Paragraph 14.1.

2. Kings Cross Fire

3. Clapham Rail Disaster

4. White Collar Offenders

5. Edwin Sutherland

از جمله عامل‌هایی که می‌تواند در تقویت بازدارندگی ضمانت اجراها مؤثر در مقام باشد، شدت آن‌هاست. این طریق، بازگشت به تفکر دانشمندانی چون بنتام و بکاریا دارد که بر این گمانند برای پیش‌گیری از وقوع جرم چه در بعد اختصاصی و چه در بعد عمومی، شدیدتر بودن یا دست‌کم هم‌سنگ بودن شدت مجازات‌ها با وخامت جرم، ضروری می‌نماید (دادبان و آقایی، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۷). نظریه پرداز آینده نگری مانند ریچارد پوسنر^۱ نیز با دیدگاهی اقتصادی و اعتقاد به عقلانیت، و با اشاره به گرایش سودمدار و لذت طلبانه‌ی شهروندان، ضرورت توسل به مجازات‌های شدید و کاهنده را توجیه می‌کند (رحمدل، ۱۳۸۹: ۲۶). هر چند روی سخن و مخاطب آن‌ها در آن مقطع، اشخاص حقیقی بود، اما قابل انکار نیست که این مهم، در حق اشخاص حقوقی معاصر که هم‌چون اشخاص حقیقی و بلکه بیش از آن‌ها بر پایه‌ی عقلانیت اقتصادی و ریسک‌های محاسبه شده به تنظیم رفتار خود می‌پردازند، به طریق اولی صدق می‌کند. به این ترتیب، می‌توان انتظار داشت که با راه‌کار تفوق بخشیدن زیان جرم بر سود آن، اشخاص حقوقی از خطاکاری یا تکرار آن برحذر، و به شهروندانی قانون‌مدار و هنجارمند تبدیل شوند.

بدین‌گونه، کیفی‌هایی که در مورد اشخاص حقوقی به موقع اجرا گذاشته می‌شوند، باید از چنان ویژگی برخوردار باشند که درجه تقصیر این اشخاص و میزان انزجار عمومی از رفتار خطرناک آن‌ها را منعکس نماید. فزون نمودن میزان مجازات مالی بر سود حاصل از جرم، رهیافتی است تا به واسطه‌ی آن، اشخاص حقوقی انتفاعی و شرکت‌های تجاری که بر پایه‌ی سیاست هزینه-منفعت فعالیت می‌کنند، از تخطی و قانون شکنی باز داشته شوند (Hannah, 2005: 32) و (Kelly, 2002: 1).

از جمله ضمانت اجراهایی که می‌تواند در بازدارش اشخاص حقوقی از ارتکاب جرم مؤثر در مقام باشد، جزای نقدی است؛ مشروط بر آن‌که به صورت سنجیده، محاسبه شده و متناسب با گردش مالی و احراز میزان واقعی درآمد آن‌ها تعیین و اجرا شود. واگر نه، در صورت ناچیز بودن میزان این مجازات در قیاس با درآمد سرشار اشخاص حقوقی ثروت‌مند، نه تنها آن‌ها را از ارتکاب جرم باز نخواهد داشت، بلکه به ارتکاب آن نیز تهییج خواهد نمود. در مقابل، فراتر بودن میزان جزای نقدی نسبت به سطح درآمد و گردش مالی اشخاص حقوقی، موجبات ورشکستگی، اخراج و بی‌کار شدن پرسنل آنها و نقض اصل شخصی بودن مجازات را فراهم خواهد ساخت. برای فائق آمدن بر این معضل دوگانه، چند برابر نمودن جزای نقدی اشخاص حقوقی در قیاس با اشخاص حقیقی در قبال همان جرم، رجوع به وضعیت مالی اشخاص مزبور و تعیین جزای نقدی بر اساس درصدی از سود خالص سالیانه و یا کسری از متوسط گردش مالی دو یا سه سال پیش از ارتکاب جرم، راه‌کار مناسبی به نظر می‌رسد (Matthews, 2008: 125).

1. Richard Posner
2. Cost- Benefit

این نوشتار بر آن است تا از رَه‌گذر تأمل در موضع نظام‌های کیفری ایران، آمریکا و انگلستان که رَه‌یافت‌های متفاوتی را در تعیین جزای نقدی اشخاص حقوقی برگزیده‌اند، کم‌نقص‌ترین و اثر بخش‌ترین آن‌ها را احراز و مورد شناسایی قرار دهد. بدین‌سان، در ابتدا معیار جزای نقدی اشخاص حقوقی بر پایه‌ی جزای نقدی معین که نظام کیفری ایران بدان گرایش دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس معیار تعیین جزای نقدی بر مبنای اصول راهنمای کیفر و متعاقب احراز نمره‌ی مجرمیت که مورد اهتمام نظام کیفری آمریکا قرار دارد، تبیین می‌شود. سر انجام، معیار جزای نقدی بر اساس گردش مالی و متناسب با درآمد واقعی اشخاص حقوقی که در برخی از مقررره‌های نظام کیفری انگلستان انعکاس یافته است مورد مذاقه قرار می‌گیرد. ناگفته نماند، به‌رغم استقرار هر یک از معیارهای مذکور در بندی مجزا، تلاش خواهد شد تا در اثنای توضیح معیار دوم، آن را با معیار اول و در اثنای توضیح معیار سوم، آن را با معیار اول و دوم مقایسه نماییم.

به این ترتیب مقاله حاضر از دو جهت رویکردی نوآور خواهد داشت: نخست آن‌که، از رَه‌گذر مطالعه‌ی معیارهای سه‌گانه‌ی مذکور کاستی‌های نظام کیفری ایران آشکار و برای فروگشایی آن ارائه‌ی طریق خواهد شد. دوم آن‌که، بر موضوعی انگشت تأکید می‌نهد که محققان پیشین چندان‌که شاید، ننهادند. پیشینه‌ی تحقیق نشان می‌دهد که پایان‌نامه کارشناسی ارشد دکتر فرج‌الهی به‌رغم پر معز بودن، راجع به مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه است و نسبت به نظام کیفری ایران گرایشی ندارد. هم‌چنین، پایان‌نامه‌ی ارزش‌مند دکتر حسن حسنی معطوف به مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌طو کلی است و به علت نگارش در سال ۱۳۸۵، توجهی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ندارد. دیگر این‌که، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد آقای علی رفیع زاده که در سال ۱۳۸۹ از آن دفاع شده است، به‌رغم تدقیق در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فاقد رویکرد تطبیقی است. ضمن این‌که به علت پردازش به موضوع‌های معتنابه از جمله معیارهای انتساب جرم به اشخاص حقوقی و نیز مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی عمومی، از عهده واکاوی عمیق معیار جزای نقدی نظام کیفری ایران برنیامده است. سرانجام، نوآوری این تحقیق در قیاس با رساله‌ی دکتری نگارنده تحت عنوان «مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان» الحاق نظام کیفری آمریکا به گستره‌ی مطالعاتی خود است.

۱. جزای نقدی اشخاص حقوقی بر پایه‌ی مبلغی معین (مورد اهتمام نظام کیفری ایران)

موضوعی که در این قسمت از نظر خواهد گذشت، جُستاری است بر رویه‌ی قانون‌گذار ایران، در قبال جزای نقدی قابل‌اعمال بر اشخاص حقوقی، به این منظور، به ترتیب، موضع قانون‌های موردی، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را در این زمینه آشکار، و چالش فراروی آن‌ها را متذکر خواهیم شد.

۱.۱. قانون‌های موردی

گذری بر مقرره‌های معدود و پراکنده‌ی پیش از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ می‌فهماند که قانون‌گذار ایران نسبت به موضوع مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی و اعمال ضمانت اجراهایی هرچند محدود علیه‌ی آن‌ها از جمله جزای نقدی - البته با معیاری ساده - چندان هم بی‌گانه نبوده است. دلیل این مدعا، قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ است که در ماده‌ی (۲۲۰)^۱ خود برای شرکت‌های ایرانی و شرکت‌های خارجی مستقر در ایران که در اسناد و صورت‌حساب‌ها و به‌طور کلی اوراق و نشریه‌های چاپی خود از ذکر نمره‌ای که به ثبت رسیده‌اند، جزای نقدی دویست تا دو هزار ریال تعیین کرده است. قانون دیگر، ناظر به امور پزشکی و دارویی و مواد خوراکی مصوب ۱۳۴۴ است که در ماده‌ی (۵) آن برای مؤسسه‌هایی که بر خلاف اصول فنی و شئون پزشکی عمل نمایند، پنج تا بیست هزار - برای بار نخست - ریال جزای نقدی پیش بینی نموده است. مورد دیگر، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ (منسوخ) است که در ماده‌ی (۱۵) خود، جزای نقدی از ده هزار تا صد هزار ریال را بر مؤسسه‌هایی که حکم دادگاه مبنی بر بسته شدن را نقض می‌کنند را قابل تحمیل دانسته است. ماده‌ی (۱۵۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۴۵ نیز به صراحت اشخاص حقوقی را هم‌چون اشخاص حقیقی در قبال تخلف مالیاتی مشمول جریمه نموده است. مصداق دیگر، قانون الحاق ماده‌ی (۲۲۱) مکرر به قانون مجازات عمومی مصوب

۱. برابر این ماده: «هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکت‌ها مصوب خردادماه (۱۳۱۰) مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت‌حساب‌ها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره‌ای در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد. این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت برای شرکت‌ها برای عدم ثبت مقرر شده است.»

۲. برابر این ماده: هیچ‌یک از مؤسسات پزشکی و دارویی و صاحبان فنون پزشکی و داروسازی و سایر مؤسسات مصرح در ماده‌ی اول این قانون حق انتشار آگهی تبلیغاتی که موجب گمراهی بیماران یا مراجعین به آن‌ها باشد و یا به تشخیص وزارت بهداشتی خلاف اصول فنی و شئون پزشکی یا عفت عمومی باشد، ندارند و حق استفاده از عناوین مجعول و خلاف حقیقت روی تابلو و سرنسخه و یا طرق دیگر و دادن وعده‌های فریبنده ندارند. متخلفین برای بار اول به پرداخت پنج هزار تا بیست هزار ریال و دفعات بعد از بیست هزار ریال تا پنجاه هزار ریال جزای نقدی و یا حبس تأدیبی از یک ماه تا چهار ماه و یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد...»

۳. برابر این ماده: «هر مؤسسه‌ای که وسیله ارتکاب جرم گردد از قبیل مؤسساتی که در آن‌ها فروش اجناس قاچاق یا مواد مخدر یا سمیات غیر از آن‌چه برای احتیاجات طبی یا کشاورزی است به عمل می‌آید یا مؤسساتی که موجب تسهیل وسایل برای اعمال منافی عفت هستند، به دستور دادگاه در ضمن آن که حکم به مجازات داده می‌شود بسته خواهد شد. بعد از قطعیت حکم بستن مؤسسه، محکوم یا اشخاصی که از طرف محکوم به آن‌ها واگذار گردیده است نمی‌توانند در آن‌جا به بازرگانی و صنعت قبلی اشتغال ورزند، تخلف از این حکم موجب محکومیت به جزای نقدی از ده هزار ریال تا صد هزار ریال و بستن مجدد مؤسسه خواهد بود.»

۴. برابر ماده‌ی مزبور از این مقرر: «هر شخص حقیقی یا حقوقی که به موجب این قانون مکلف به وصول و ایصال مالیات مؤدیان دیگر باشد، در صورت تخلف از انجام وظایف مقرر با مؤدی متضامناً مسؤول پرداخت مالیات و زیان دیرکرد متعلق بوده و مشمول جریمه‌ی مقرر نیز خواهد بود.»

۱۳۵۷ است^۱ که برای اشخاص حقوقی که در خصوص معامله با دولت، وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌ها، شرکت‌های دولتی و یا شهرداری‌ها مرتکب تخلف می‌شوند - از جمله امضای سوگند نامه‌ی دروغ از طریق مدیران خود - جزای نقدی از ۵-۱ درصد مبلغ مورد معامله پیش‌بینی کرده است.

پس از انقلاب اسلامی نیز برخی از مجموعه قانون‌های مصوب در مواجهه با قانون‌گریزی اشخاص حقوقی از سیاست تحمیل جزای نقدی بر آن‌ها حمایت و پشتیبانی کرده‌اند که از جمله‌ی آن‌ها قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ است که به‌موجب ماده‌ی (۱۲) آن^۲ کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی ناقض ضوابط توزیع و یا قیمت مقرر را مستحق محکومیت به یک تا سه برابر درآمد نایب دانسته است. دیگر، تبصره‌ی (۴) الحاقی به ماده‌ی (۴) قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات پزشکی، دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب ۱۳۶۷ است که برای شرکت‌های توزیع کننده داروهای فاسد یا مصرف گذشته، جزای نقدی برابر با یک‌صد هزار تا یک‌میلیون ریال در نظر گرفته است. هم‌چنین می‌توان به ماده‌ی (۱) قانون تعزیرات حکومتی راجع به امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷^۳ اشاره کرد که در برخورد با مؤسسه‌های پزشکی غیر مجاز، ضمانت اجراهای چندی از جمله جزای نقدی به میزان یک تا ده میلیون ریال نظر گرفته است. قانون الزام شرکت‌ها و مؤسسه‌های باربری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه مصوب ۱۳۶۸ نمونه‌ی دیگری است که در ماده‌ی (۶)^۴ خود، اشخاص مزبور را در صورت

۱. برابر ماده‌ی مزبور از این مقرره: «هرکس اعم از ایرانی یا خارجی در ایران یا خارج از ایران در موقع انعقاد قرارداد به منظور انجام معامله با دولت ایران یا وزارتخانه‌ها یا مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا شهرداری‌ها یا سازمان‌هایی که از بودجه عمومی به آن‌ها کمک یا اعانه داده می‌شود سوگندنامه‌ای را امضا کند و پس از امضای آن، کذب سوگند یا نقض آن اثبات شود، به حبس جنحه‌ای از یک سال تا سه سال یا به جزای نقدی از یک تا پنج درصد مبلغ مورد معامله یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم مشمول عناوین جزایی دیگری باشد این مجازات مانع از تعقیب او نخواهد بود. در مورد اشخاص حقوقی سوگندنامه باید به امضای مدیر یا مدیران مسؤول آن‌ها برسد در این صورت امضاء کنندگان مسؤولیت جزایی دارند و جزای نقدی از اموال شرکت نیز قابل استیفا خواهد بود».

۲. بر اساس این ماده: «در مواردی که کالا برخلاف ضوابط و مقررات توزیع یا قیمت به صورت عمده در اختیار اشخاص غیر واجد شرایط جهت فروش قرار گیرد، علاوه بر مجازات فروشنده، اشخاص حقیقی یا حقوقی خریدار کالا نیز به پرداخت جریمه معادل یک تا سه برابر درآمد من غیر حق، محکوم می‌گردند».

۳. برابر ماده‌ی مزبور از این قانون: «ایجاد مؤسسات پزشکی غیر مجاز توسط اشخاص فاقد صلاحیت از نظر تخصصی جرم بوده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردد: مرتبه‌ی اول تعطیل مؤسسه و ضبط کلیه‌ی ملزومات مؤسسه به نفع دولت. مرتبه‌ی دوم علاوه بر مجازات‌های مرتبه‌ی اول، جریمه‌ی نقدی به میزان یک میلیون ات ده میلیون ریال و اعلام در جراید. مرتبه‌ی سوم علاوه بر مجازات‌های مرتبه‌ی دوم، زندان از شش ماه تا یک‌سال».

۴. برابر این ماده: «چنان‌چه شرکت‌ها و مؤسسات ترابری جاده‌ای مسافر و کالا بر حسب نوع فعالیت از اوراق مذکور در مواد (۲) و (۳) و (۴) و (۵) این قانون استفاده نمایند و یا مبادرت به استفاده از اوراق عادی به عنوان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه بنمایند یا به طور غیرمجاز صورت وضعیت مسافری یا بارنامه تهیه و مورد استفاده قرار دهند یا مشخصات مسافر و محموله با اوراق مذکور مطابقت نداشته باشد و یا مندرجات آن را تکمیل نمایند و یا اوراق مذکور

تخلف برای بار نخست به ۲۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال، برای بار دوم به از ۵۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و برای بار سوم از ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی قابل محکومیت دانسته است. مورد اخیرتر، ماده‌ی (۵) قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ است که اشخاص حقوقی را هم چون اشخاص حقیقی، مسؤول کیفری اعلام، و علاوه بر ابطال مجوز فعالیت، مطابق ماده‌ی (۲) قانون مذکور سزاور محکومیت به جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه دانسته است.

با این همه، موضع قانون‌گذار را می‌توان از جهت‌هایی به چالش کشید. چالش نخست، ناظر به ثابت و معین بودن میزان جزای نقدی در برخی از مقرره‌های مذکور است که از تکافوی لازم برای ممانعت از اشخاص حقوقی از ارتکاب بزه، خاصه آن دسته که ثروت‌مند بوده و از گردش مالی بالا بهره‌مندند، برخوردار نیست. دور از انتظار نیست که نتیجه‌ی این شیوه، تجرّی اشخاص مورد بحث به ارتکاب جرم و عدم انجام رسالت بنیادی حقوق کیفری در دفاع از منافع جامعه باشد. واقع آن است که اگر مبلغ جریمه‌ی مورد اعمال، متناسب با دارایی و بیلان مالی اشخاص حقوقی نباشد و شدت جرم و درجه‌ی مجرمیت آن‌ها را که با سنجه‌هایی چون سابقه‌ی کیفری، بزرگی یا کوچکی، هم‌کاری با مقام‌های قضایی، داشتن یا نداشتن برنامه‌ی انطباق با قانون، تعداد کارکنان، نوع جرم ارتكابی احراز می‌شود، منعکس نکند، از پیامد لازم جهت جلوگیری از نقض قانون و رعایت ضابطه‌ها و استانداردها توسط اشخاص مزبور برخوردار نخواهد بود (شریفی، ۱۳۹۳: ۱۹۸). با این وجود، در کشوری چون ایران که دامنه‌ی فعالیت‌های اشخاص حقوقی تجاری و گردش مالی آن‌ها قابل قیاس با اشخاص حقوقی تجاری کشورهای فوق صنعتی چون انگلستان و ایالات متحده آمریکا نیست، اعمال هر گونه سیاست سخت‌گیرانه در زمینه‌ی جزای نقدی که ثمره‌ی آن جز و خامت وضعیت مالی، ورشکستگی و اخراج کارکنان اشخاص مورد بحث نخواهد بود، توصیه نمی‌شود. از این‌رو، در تعیین جزای نقدی قابل اجرا در حق اشخاص حقوقی تجاری ملحوظ نظر قرار دادن گستره‌ی فعالیت آن‌ها جهت جلوگیری از بروز تالی‌های فاسد مذکور ضروری می‌نماید.

بعید نیست که علت عدم شدت ضمانت اجرای مذکور نوع جرایمی باشد که از نظر قانون‌های مورد اشاره قابل انتساب به اشخاص حقوقی دانسته شده است. جرایمی که در جریان فعالیت اشخاص مذکور در زمینه‌هایی چون محیط زیست، بهداشت عمومی، حمل و نقل، سلامت و ایمنی

در این قانون را به اشخاص دیگر و غیرمجاز واگذار نمایند متخلف محسوب و با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب، وعظ، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار دوم از ۵۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار سوم از ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و تعطیل از یک تا سه ماه (دستمزد کارکنان مؤسسه یا شرکت در مدت تعطیل به وسیله صاحب امتیاز پرداخت خواهد شد) و برای بار چهارم مجوز فعالیت مدیران و صاحبان امتیاز لغو و مجوز فعالیت مجدد در امر حمل و نقل برای آن‌ها صادر نخواهد شد.»

حین کار، تولید و فروش مواد غذایی و دارویی رخ می‌دهند و عموماً در جرگه‌ی جرایم با مسؤولیت مطلق^۱ - که رکن روانی آنها مفروض است - قرار دارند. این جرایم که به‌هدف تضمین هر چه بهتر رفاه اجتماعی وضع می‌گردند، با ماهیت مادی خود، مقام قضایی را از تکلف و دشواری اثبات رکن معنوی جرم رها، و تنها به احراز رابطه‌ی علیت بین رفتار شخص حقوقی و جرم مربوطه، مقید می‌سازد.^۲ نظام‌های حقوقی از جمله ایران جهت کنترل رفتارهای خطرناک اشخاص حقوقی که بر کلیه‌ی شئون‌های جامعه‌ی بشری اعم از اقتصادی، صنعتی، سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی معاصر تسلط یافته و به قدرت‌های مدرن اجتماعی تبدیل شده‌اند، ضمن گسترش دامنه‌ی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به ورای جرایم با مسؤولیت مطلق و انتساب جرایم نیازمند رکن روانی به آنها، با تشدید میزان جزای نقدی به انحای مختلف در صدد انصراف اشخاص مزبور از ارتکاب جرم برآمده‌اند. این که راه‌کار قانون‌گذار ایران در این خصوص چیست و تا چه حد از جامعیت برخوردار است، در خلال بندهای زیر روشن خواهد شد.

چالش دوم فرارو، عدم توسل قانون‌گذار به قاعده‌ای عام و فراگیر در عرصه‌ی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی و عدم امکان تحمیل ضمانت اجرایی چون جزای نقدی بر اشخاص حقوقی غیر از مورد‌های مذکور در آن مقطع زمانی است. چنان‌که، قانون‌هایی نظیر قانون حمایت از حقوق مؤلفان

1. Strict Liability Offences

۲. جهت توضیح بیشتر باید گفت، عموماً چهار عامل وجود دارد که دادگاه‌ها براساس آن تصمیم می‌گیرند که جرم صورت گرفته از نوع جرایم با مسؤولیت مطلق است یا خیر. یکی از عوامل ذی‌ربط، انضباطی بودن جرم (Regulatory Offence) است که در مسؤولیت مطلق ناشی از ارتکاب آن هیچ اختلاف و مناقشه‌ای وجود ندارد. مقرره‌های مربوط به فروش مواد خوراکی و بهداشتی و نیز آلودگی محیط زیست مثال‌های مهم این دست از جرایم‌اند. همچنین، حداکثر مجازات اغلب این جرایم ناچیز است. عامل دیگر با مسؤولیت مطلق تلقی کردن جرم، قوانین موضوعه است که بنا بر مصالحی همچون تضمین امنیت عمومی تصمیم به اتخاذ چنین سیاستی می‌گیرد. نقض مقررات ناظر بر ساخت و ساز از جمله‌ی این جرایم‌اند که حداکثر مجازات آنها بیش‌تر از حداکثر مجازات جرایم انضباطی است. در تصرف داشتن شئی ممنوع، مانند نگهداری و در تصرف داشتن مواد مخدر نیز ضابطه‌ی دیگر با مسؤولیت مطلق دانستن این جرم در حقوق کیفری انگلستان است. سرانجام خفیف بودن حداکثر مجازات جرم ارتكابی نشان دیگری بر با مسؤولیت مطلق بودن آن است. با این حال نباید نتیجه گرفت هر جرم با مجازات شدید لزوماً نیازمند رکن روانی است. همانطور که اشاره شد در حوزه‌ی امنیت عمومی و در موارد مصرحه‌ی قانونی می‌توان جرایم با مسؤولیت مطلق را مشاهده نمود که حداکثر مجازات آنها شدید است. خالی از اهمیت نیست که به دعوی الفاسل علیه وودوارد (Alphacell v Woodward) در سال ۱۹۷۲ اشاره کرد که موضوع اتهام شرکت آلودگی ناشی درست عمل نکردن پمپ‌ها بود که به محکومیت شرکت منتهی شد. شرکت براین اساس که جرم از نوع جرایم مستلزم رکن معنوی است، اقدام به تجدید نظرخواهی نمود. دادگاه تجدید نظر با این استدلال که جرم مذکور از جمله جرایم با مسؤولیت مطلق است، اعتراض وارده را موجه ندانست. جهت مطالعه‌ی بیشتر بنگرید به: (پنی؛ ۱۳۸۸، صص ۶۴-۶۳). همچنین؛ (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۲۵۲-۲۵۰). همچنین (مهرا، ۱۳۹۲: ۳۰۹-۳۰۸). همچنین (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۶: ۳۳-۳۲) همچنین Murphy (87). and Burges (2006:1). همچنین Elliott and Quinn (2006: 90) و همچنین Stanton (2007:153). همچنین Wilson (2013:89-108).

و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ (ماده ۲۸)، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار قانونی مصوب ۱۳۵۲ (ماده ۸)، قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ (ماده ۱۰۹)، قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹ (ماده ۷۳) و قانون کار مصوب ۱۳۶۹ (ماده ۱۸۴)، مدیران اشخاص حقوقی را به جای اشخاص حقوقی مسؤول اعلام، و آماج مجازات‌هایی مانند جزای نقدی قرار داده است. مجموعه ایرادهای ذکر شده، قانون‌گذار را بر آن داشت که تا در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ و در جریان تصویب قانون جرایم رایانه‌ای و قانون مجازات اسلامی، معیار پیشین خود را نسبت به جزای نقدی اشخاص حقوقی به شرح بندهای زیر تعدیل و دگرگون کند.

۲.۱. قانون جرایم رایانه‌ای

قانون‌گذار ایران پس از پیش‌قدم شدن در پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب (۱۳۸۳)، قانون جرایم رایانه‌ای را در سال (۱۳۸۸) تصویب، و فصل ششم خود را به مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی اختصاص داد. برتری این قانون نسبت به قانون مبارزه با قاچاق انسان بیان شرایط تحقق مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی - ارتکاب جرم از سوی نماینده قانونی شخص حقوقی به نام و در راستای منافع آن - است که برای نخستین بار در مقررات کیفری ایران نمود پیدا کرد. برابر ماده (۷۴۷) قانون مجازات اسلامی - تعزیرات - (ماده ۱۹ قانون جرایم رایانه‌ای)^۱: «در موارد زیر چنان‌چه جرایم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسؤولیت کیفری خواهد بود: الف) هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه‌ای شود. ب) هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه‌ای را صادر کند و جرم به وقوع بپیوندد. ج) هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه‌ای شود. د) هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد». ماده (۷۴۸) قانون مزبور (ماده ۲۰ قانون جرایم رایانه‌ای) نیز در تعیین ضمانت اجراهای کیفری جرایم اشخاص حقوقی مجرم مقرر می‌دارد: «اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتکابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتکاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتکابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد...».

به این ترتیب از منظر قانون مورد بحث، جزای نقدی جزو لاینفک ضمانت اجراهای قابل‌اعمالی است که به‌همراه دیگر ضمانت اجراهای مندرج در بندهای (الف) و (ب) ماده مذکور، یعنی تعطیلی موقت و انحلال نسبت به اشخاص حقوقی مرتکب جرم یا جرایم رایانه‌ای به‌موقع اجرا

۱. به‌موجب ماده (۵۵) قانون جرایم رایانه‌ای، مواد (۱) تا (۵) این قانون به‌عنوان مواد (۷۲۹) تا (۷۸۲) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با عنوان فصل جرایم رایانه‌ایی منظور و ماده (۷۲۹) قانون مجازات اسلامی به ماده (۷۸۳) اصلاح گردید (نقل از شماره ۱۸۷۴۲-۱۷/۴/۱۳۸۸ روزنامه رسمی).

گذارده می‌شود. هم‌چنین قانون‌گذار به منظور اثر بخشی هرچه بهتر این ضمانت اجرا و تضمین تأمین هدف بازدارندگی، جزای نقدی قابل تحمیل بر اشخاص حقوقی را در قیاس با جزای نقدی قابل تحمیل بر اشخاص حقیقی سه تا شش برابر کرده است. به نظر می‌رسد این شیوه‌ی تشدید بر گرفته از رویکرد نظام کیفری فرانسه است که به موجب ماده‌ی (۳۸-۱۳۱) مجموعه قانون کیفری نوین خود، میزان جزای نقدی قابل اجرا نسبت به اشخاص حقوقی را تا پنج برابر جزای نقدی قابل اجرا در حق اشخاص حقیقی افزایش داده است (Deckert, 2011: 162-168).

تردید نیست که این مکانیزم، ضریب بازدارندگی جزای نقدی را افزون، و هزینه‌ی جرایم مقصود اشخاص حقوقی را افزایش می‌دهد. با این وجود، چون با منابع مالی اشخاص حقوقی بزرگ انطباق چندانی ندارد، بعید است موجبات ارعاب این اشخاص را فراهم، و رادع آن‌ها از ارتکاب جرم باشد. شایسته‌تر این بود که قانون‌گذار به جای معیار مزبور، از راه کار کسر درصدی از گردش مالی اشخاص حقوقی بهره می‌جست تا ضمن تقویت اثر بخشی آن، بر گونه‌های مختلف اشخاص حقوقی، اعم از کوچک و بزرگ، پر درآمد و کم درآمد، تأثیری یکسان و عادلانه‌ای نهد (شریفی، ۱۳۹۳: ۱۹۹). البته نباید از نظر دور داشت که احراز میزان واقعی گردش مالی اشخاص حقوقی تجاری که مستلزم استفاده از کارشناسان مالی زبده در بررسی ترازنامه و حساب سود و زیان مالی سالانه‌ی آن‌ها که بسا اطلاعاتی دادرسی نیز در پی داشته باشد، امری است بس دشوار و بعید نیست به همین دلیل قانون‌گذار فرانسه از آن پرهیز و به مکانیزم ساده‌تری مانند آن چه ذکر شد، روی آورده باشد. با این وجود، به ترتیبی که در بند (۳) مقاله خواهیم دید، نظام کیفری آمریکا از محدود نظام‌هایی است که تلاش نموده بر این ظرایف و پیچیدگی‌ها فائق، و سطح مجرمیت اشخاص حقوقی را منعکس کند.

چالش دیگر فراروی این مقرر، مبرهن نشدن چگونگی اعمال جزای نقدی بر اشخاص حقوقی در حالتی است که یکی از شعبه‌های آن‌ها مرتکب جرم شده باشد. به این پرسش باید پاسخ داده شود که آیا مبلغ دو تا چهار برابر جزای نقدی مقرر، بر شعبه‌ی متخلف تحمیل می‌شود یا بر شعبه‌ی مادر و یا هر دو، و دادگاه‌ها در صورت مواجه شدن با چنین وضعیتی چه تصمیمی را اتخاذ خواهد نمود؟ به نظر می‌رسد بتوان با تفکیک قائل شدن بین دو حالت، بر چنین ابهامی فائق آمد. به این شکل که اگر شعبه‌ی خاطی از استقلال مالی و ماهیت مستقل برخوردار باشد، به تنهایی بار پرداخت جریمه را به دوش خواهد کشید. در مقابل اگر شعبه‌ی مربوطه فاقد استقلال باشد و اعمال و رفتارش در راستای اجرای سیاست‌ها و دستورالعمل‌های شعبه‌ی مادر باشد، جریمه‌ی مقرر بر این شعبه تحمیل خواهد شد. البته در حالت نخست، چنانچه شعبه‌ی مادر با سیاست‌گذاری و تعیین خط مشی، شعبه‌ی مستقل خود را ترغیب و تهییج به ارتکاب جرم کرده باشد، هیچ چیز مانع از قابل تعقیب و محاکمه آن به‌عنوان معاون جرم نخواهد بود.

۳.۱. قانون مجازات اسلامی

پس از قانون جرایم رایانه‌ای، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تصریح بر مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال عموم جرایم، نقطه‌ی عطفی را در تاریخ تحولات حقوقی کیفری ایران ایجاد نمود و به سال‌ها مجادله و مناقشه موجود در این زمینه پایان بخشید. به موجب ماده‌ی (۱۴۳) این قانون: «... شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...». به این ترتیب، اشخاص حقوقی از اهلیت لازم برای ارتکاب عموم جرایم اعم از با مسؤولیت مطلق، نیازمند رکن روانی، عمدی و غیر عمدی برخوردار، و در قبال آن‌ها مسؤولیت کیفری می‌یابند.^۱

همچنین ماده‌ی (۲۰) قانون مذکور تلاش نموده است با پیش بینی ضمانت اجراهای متنوع هفت گانه از جمله جزای نقدی ماهیت اشخاص حقوقی و گونه‌های مختلف آن‌ها را بیش از پیش مطمح نظر قرار دهد. ماده‌ی (۲۱) نیز به هدف ارتقای سطح بازدارندگی جزای نقدی اشعار داشته است: «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود». به این ترتیب، قانون مجازات اسلامی از همان شیوه‌ی قانون گذار فرانسه (ماده‌ی ۳۸-۱۳۱ مجموعه قانون کیفری نوین) و قانون جرایم رایانه‌ای برای افزایش شدت جزای نقدی و تأثیر گذاری هر چه بهتر آن بر اشخاص حقوقی تأسی جسته است. چندان که در خصوص جرایم رایانه‌ای نیز شد، این رویکرد به رغم تأثیر گذاری نسبی بر اشخاص حقوقی از قدرت کاهندگی مؤثر و مطلوب برخوردار نیست؛ زیرا میزان درآمد و گردش بالای مالی برخی از اشخاص حقوقی به گونه‌ایی است که به نظر نمی‌رسد از راه کار مزبور متأثر و از ارتکاب پرهیز نمایند.

فرض کنید شرکت معظمی چون ایران خودرو با درآمد سالانه‌ی ناخالص ۱۲/۸ میلیارد دلار و خالص ۱/۳ میلیارد دلار^۲ مرتکب جرم تعزیری چون استفاده از اسناد جعلی موضوع ماده‌ی (۵۳۵) قانون مجازات اسلامی شود که جزای نقدی آن برای شخص حقیقی سه تا هجده میلیون ریال در

۱. البته با توجه به تبصره‌ی ماده‌ی (۱۴) قانون مجازات اسلامی که از میان ضمانت اجراهای شرعی صرفاً دیه را قابل انتساب به اشخاص حقوقی دانسته است و همچنین با توجه به تعزیری بودن ضمانت اجراهای جرایم اشخاص حقوقی مذکور در ماده‌ی (۲۰)، باید ارتکاب دیگر جرایم شرعی - قتل و صدمه‌های عمدی - و حدود الهی را غیر قابل انتساب به اشخاص حقوقی دانست. مگر این که مداخله‌ی آن‌ها در این گونه جرایم در قالب معاونت صورت گیرد. چه این که معاونت در جرایم شرعی، تعزیر محسوب می‌شود.

۲. علاوه بر جزای نقدی، انحلال، مصادره‌ی اموال، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی تا پنج سال، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه تا پنج سال، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری تا پنج سال، انتشار حکم محکومیت از دیگر ضمانت اجراهای پیش بینی شده در ماده‌ی (۲۰) قانون مجازات اسلامی‌اند.

۳. این آمار مربوط به سال ۲۰۱۱ میلادی معادل به ۱۳۹۱ شمسی است. جهت دریافت اطلاعات بیشتر بنگرید به:

نظر گرفته شده است. چنانچه دادگاه حداکثر جزای نقدی قابل اعمال یعنی چهار برابر آن را هم مورد حکم قرار دهد، به پنجاه و چهار میلیون ریال می‌رسد که در قیاس با حجم مالی و درآمد شخص حقوقی مورد اشاره، ناچیز و ناموجه به نظر می‌رسد. از این رو، شایسته بود که اعمال جزای نقدی بر اشخاص حقوقی، خاصه شرکت‌های تجاری هم‌سو با منابع مالی و بر پایه‌ی میانگین گردش مالی چند سال پیش از ارتکاب جرم و یا سود خالص آن صورت می‌پذیرفت.

نکته دیگری که در ماده‌ی (۲۱) قانون مجازات اسلامی هم‌چون ماده‌ی (۷۴۸) - جزای نقدی جرایم رایانه‌ای اشخاص حقوقی - مورد تصریح قرار نگرفته است، چگونگی تحمیل جزای نقدی بر شخص حقوقی در وضعیتی که یکی از شعبه‌های آن مرتکب جرم شده باشد است. از آنجا که در سطرهای قبل و در چارچوب جرایم رایانه‌ای به این موضوع پرداخته شد، از تکرار آن در این قسمت امتناع می‌شود.

خلاء قابل اعتنای دیگر ماده‌ی مورد بحث، عدم پیش‌بینی معیاری فروگشا در خصوص جرایمی چون خیانت در امانت (موضوع ماده‌ی ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات) است که قانون‌گذار برای اشخاص حقیقی ضمانت اجرایی به جز جزای نقدی در نظر گرفته است. دادگاه در مواجهه شدن با چنین وضعیتی ناگزیر به محکومیت شخص حقوقی متخلف به سایر ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی شده در ماده‌ی (۲۰) خواهد بود که البته معلوم نیست در مورد اشخاص حقوقی انتفاعی که به انگیزه‌ی مالی مرتکب خیانت در امانت، کلاهبرادی یا هر جرم مالی دیگری می‌شوند، همان بازدارندگی جزای نقدی را در مورد آن‌ها به موقع اجرا بگذارد. البته این مشکل در مورد جرایم رایانه‌ای که برای کلیه‌ی حالت‌ها و جرایم مربوطه، جزای نقدی لحاظ شده است رخ نخواهد داد (شریفی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۴). در نظام‌های کیفری چون آمریکا نیز، که جزای نقدی جزو ضمانت‌اجراهای متعارف و شایع جرایم اشخاص حقوقی است چنین نقصانی رؤیت نمی‌شود (Sahlool, 2013: 211) و (Nanda, 2011: 71). در نظام کیفری فرانسه نیز به همین ترتیب، چنین خلای مشاهده نمی‌شود. به موجب ماده‌ی (۳۸-۱۳۱) مجموعه قانون کیفری نوین این کشور: «... هنگامی که بزه، جنایتی است که برای آن هیچ‌گونه جریمه‌ای علیه‌ی اشخاص حقیقی پیش‌بینی نشده است، تا یک میلیون یورو می‌باشد» (روح‌الامینی، ۱۳۸۷: ۱۵۳). در هر حالت دادگاه مکلف است به هنگام تعیین جزای نقدی مناسب اشخاص حقوقی و در اجرای اصل شخصی کردن ضمانت‌اجراها، هزینه‌ها و درآمدهای آن‌ها را با امعان نظر به ترازنامه‌ی محاسباتی و حساب سود و زیان مالی مورد توجه قرار دهد (فرج‌الهی، ۱۳۸۸: ۱۵۲-۱۵۱).

۲. جزای نقدی اشخاص حقوقی بر پایه‌ی اصول راهنمای تعیین کیفر (مورد اهتمام نظام کیفری آمریکا)

در نظام کیفری فعلی آمریکا دادگاه‌ها بر اساس رهنمودهای کمیسیون تعیین مجازات، اشخاص حقوقی مرتکب جرم را طی پنج مرحله مشخص می‌کنند. این اصول و رهنمودها که تا حد زیادی

دست قاضی را در اعمال سلیقه بسته و از دامنه‌ی اختیارات او فرو می‌کاهد، عبارتند از: تعیین مبنای جزای نقدی، تعیین درجه‌ی (سطح) مجرمیت، تعیین ضریب حداقل و حداکثر جزای نقدی، تعیین محدوده‌ی جزای نقدی و انتخاب میزان جزای نقدی، با مکانیزم‌های زیر محکوم می‌کنند.

۱.۲. مرحله‌ی نخست: تعیین مبنای جریمه بر اساس سطح جرم ارتكابی شخص حقوقی (Determining the Corporate Base Fine of Offence)

دادگاه رسیدگی کننده باید در گام اول با توجه به جرم شخص حقوقی مبنای جریمه را حسب جدول ذیل که از سوی کمیسیون را مشخص کند (United States Sentencing Commission): (8C2.4(d):)

جدول ۱- میزان جریمه بر مبنای سطح جرم

مبلغ	سطح جرم	مبلغ	سطح جرم
۵۰۰۰ دلار	۶ یا پایین تر	۱/۶۰۰/۰۰۰ دلار	۲۳
۷/۵۰۰ دلار	۷	۲/۱۰۰/۰۰۰ دلار	۲۴
۱۰/۰۰۰ دلار	۸	۲/۸۰۰/۰۰۰ دلار	۲۵
۱۵/۰۰۰ دلار	۹	۳/۷۰۰/۰۰۰ دلار	۲۶
۲۰/۰۰۰ دلار	۱۰	۴/۸۰۰/۰۰۰ دلار	۲۷
۳۰/۰۰۰ دلار	۱۱	۶/۳۰۰/۰۰۰ دلار	۲۸
۴۰/۰۰۰ دلار	۱۲	۸/۱۰۰/۰۰۰ دلار	۲۹
۶۰/۰۰۰ دلار	۱۳	۱۰/۵۰۰/۰۰۰ دلار	۳۰
۸۵/۰۰۰ دلار	۱۴	۱۳/۵۰۰/۰۰۰ دلار	۳۱
۱۲۵/۰۰۰ دلار	۱۵	۱۷/۵۰۰/۰۰۰ دلار	۳۲
۱۷۵/۰۰۰ دلار	۱۶	۲۲/۰۰۰/۰۰۰ دلار	۳۳
۲۵۰/۰۰۰ دلار	۱۷	۲۸/۵۰۰/۰۰۰ دلار	۳۴
۳۵۰/۰۰۰ دلار	۱۸	۳۶/۰۰۰/۰۰۰ دلار	۳۵
۵۰۰/۰۰۰ دلار	۱۹	۴۵/۵۰۰/۰۰۰ دلار	۳۶
۶۵۰/۰۰۰ دلار	۲۰	۵۷/۵۰۰/۰۰۰ دلار	۳۷
۹۱۰/۰۰۰ دلار	۲۱	۷۲/۵۰۰/۰۰۰ دلار	۳۸ یا بیشتر
۱/۲۰۰/۰۰۰ دلار	۲۲		

برای مثال تصور کنید که یک شرکت تجاری مرتکب جرم تخریب عمدی شده باشد. سطح این جرم در ابتدا شش می‌باشد. با این وجود دادگاه می‌تواند در صورتی که جرم مزبور موجب انسداد عدالت نیز گردیده باشد، هفت سطح به آن اضافه کند و آن را به سطح سیزده ارتقا دهد. به علاوه، دادگاه باید به میزان خسارت مالی وارده شده توجه نموده و از این منظر نیز سطح جرم را بالا ببرد. به عنوان نمونه اگر خسارت مالی ناشی از جرم بیش از یکصد و بیست هزار دلار برآورد گردد، ده درجه‌ی دیگر به سطح جرم می‌افزاید. به این ترتیب، سطح جرم مورد اشاره به عدد بیست و سه می‌رسد. حال چنانچه به جدول فوق نگریسته شود، معلوم می‌شود که در مقابل جرمی چون

تخریب با سطح بیست و سه، مبلغ یک میلیون و شصت هزار دلار به عنوان جریمه مبنا مندرج شده است که با توجه به بالاتر بودن این مبلغ نسبت به میزان خسارت وارده (یک میلیون و بیست هزار دلار) می‌توان نتیجه گرفت که شخص حقوقی مجرم در قبال این جرم منفعتی کسب نکرده است.

۲.۲. مرحله دوم: تعیین نمره یا درجه مجرمیت (درجه تقصیر) شخص حقوقی^۱

پس از برداشتن گام نخست، دادگاه مجازات کننده باید سطح یا درجه‌ی مجرمیت شخص حقوقی مجرم را مشخص و به آن نمره دهد. مقیاسی که برای این مورد در نظر گرفته شده است، یک تا ده، و نمره‌ی اولیه‌ی در دسترس قاضی عدد پنج است که البته با ملحوظ نظر قرار دادن عامل‌های مشدده و مخففه^۲ دچار صعود و نزول می‌گردد (Ibid:8C2.5(a)). مهم‌ترین عامل‌های مشدده عبارتند از:

۱. وسعت و بزرگی شخص حقوقی مداخله کننده‌ی در جرم، نقش پرسنل رده بالای شخص حقوقی^۳ در وقوع جرم، چه به صورت انجام مستقیم یا نادیده گرفتن انجام جرم از سوی کارکنان تحت امر خود که در این صورت از یک تا پنج نمره به نمره‌ی مجرمیت شخص حقوقی مربوطه اضافه خواهد شد.

۲. سابقه‌ی قبلی^۴. چنانچه شخص حقوقی در گذشته برای همان رفتار مجرمانه محکوم شده باشد.
 ۳. نقض دستور^۵. اگر سوء رفتار شخص حقوقی منجر به نقض یک دستور یا قرار قضایی یا منجر به نقض یک شرط از شرط‌های تعلیق گردد، یک یا دو امتیاز به سطح یا همان نمره‌ی مجرمیت آن افزوده می‌شود.

۴. انسداد عدالت^۶. اگر شخص حقوقی به صورت عمدی مانعی فراری تحقق عدالت قرار دهد و یا با سوء نیت، انسداد عدالت را تحریک و تشویق نماید و یا به عمد و از روی آگاهی برای جلوگیری از وقوع چنین رخدادی تلاشی صورت ندهد و به طور کلی موضع بی‌اعتنایی پیشه کند، سه نمره به نمره‌ی محکومیتش افزوده می‌شود.

عامل‌های مخففه^۷ نیز عبارتند از:

۱. داشتن برنامه‌ی تبعیتی مؤثر. چنانچه به رغم وقوع جرم، اشخاص حقوقی داری یک برنامه‌ی مؤثر انطباق با قانون و ضوابط داشته باشند و هم‌چنین پس از وقوع جرم، از گزارش آن امتناع نکنند و یا اعضای بلند پایه‌ی این اشخاص در وقوع جرم مدخلیتی نداشته باشند، سه نمره از نمره

1. Determining the Corporate Culpability Score

2. Aggravating and Mitigating Factors

3. High-level Corporate Agent

4. Prior History

5. Violation of Order

6. Obstruction of Justice

7. Obstruction of Justice

معمول مجرمیت آن‌ها کاسته می‌شود.

۲. خود گزارشی و قبول مسؤولیت.^۱ چنان‌چه شخص حقوقی متخلف، مسؤولیت خود را پذیرفته و جرم واقع شده در چارچوب فعالیتش را به مقام قضایی اعلام، و در اثنای تحقیقات هم‌کاری مؤثری را با مقام تحقیق نماید، موجبات کسر نمره مجرمیت خود را از یک تا پنج فراهم می‌نماید. به این ترتیب، اگر مشخصه‌های شخص حقوقی مرتکب جرم به این شکل باشد که از گستردگی برخوردار و دارای ۳۰۰۰ کارمند باشد و جرم را توسط یکی از کارمندان سطح بالای خود انجام داده باشد، این امر منجر به افزایش چهار نمره به پنج نمره می‌بنایی می‌شود (نمره‌ی پنج) که پیش‌تر در مورد آن سخن گفته‌ایم. اگر جرم مربوطه باعث انسداد عدالت نیز شده باشد، سه نمره‌ی دیگر نیز به نمره‌ی مجرمیت شخص حقوقی اضافه شده و به عدد دوازده می‌رسد. از طرفی، هم‌کاری مؤثر شخص مزبور با مرجع قضایی سه نمره از درجه‌ی مجرمیت آن می‌کاهد تا سرانجام نمره‌ی نهایی مجرمیت آن در عدد نه تثبیت شود.

۳.۲. مرحله سوم: انتخاب ضریب حداقل و حداکثر (Choosing the Minimum and Maximum Multipliers)

تعیین نمره مجرمیت به شرحی که گذشت، به دادگاه محکوم‌کننده اجازه خواهد داد که مطابق با جدول مجرمیت زیر به انتخاب ضریب حداقل و حداکثر جریمه‌ی قابل اعمال بر شخص حقوقی محکوم دست زند (Ibid:8C2.6).

جدول ۲

نمره‌ی مجرمیت	ضریب حداقل	ضریب حداکثر
۱۰ یا بیش‌تر	۲/۰۰	۴/۰۰
۹	۱/۸	۳/۶
۸	۱/۶	۳/۲
۷	۱/۴	۲/۸
۶	۱/۲	۲/۴
۵	۱	۲/۰۰
۴	۱/۸	۱/۶
۳	۱/۶	۱/۲
۲	۱/۴	۱/۸
۱	۱/۲	۱/۴
۰ یا کمتر	۱/۰۵	۱/۲

در مثالی که ذکر شد، ضریب حداقل و حداکثر جریمه‌ی قابل اعمال بر شخص حقوقی با نمره‌ی

1. Self-Reporting and Acceptance of Responsibility

مجرمیت نه، به ترتیب یک و هشت‌دهم و سه و شش‌دهم خواهد بود. یا در همین مورد، چنان‌چه کیفیت مخففه‌ای - مثل هم‌کاری مؤثر شخص حقوقی با مقام قضایی - وجود نمی‌داشت، نمره‌ی مجرمیت شخص حقوقی دوازده می‌بود که بر این اساس ضریب حداقل و حداکثر جریمه‌ی قابل تحمیل به آن، برابر جدول فوق به ترتیب دو و چهار تعیین می‌گردید.

۴.۲. مرحله‌ی چهارم: تعیین محدوده‌ی جریمه^۱

در این مرحله جریمه‌ی پیشنهادی دادگاه از طریق ضرب کردن مبنای جریمه‌ی تعیین شده در گام نخست، در حداقل و حداکثر جریمه‌ای طبق جدول پیش‌گفته به‌دست آمده است، مشخص می‌گردد (Ibid:8C2.7). حاصل آن که، اولین عدد به‌دست آمده، حداقل، و دومین عدد، حداکثر جریمه قابل اجرا در حق شخص حقوقی محکوم را نشان می‌دهد. با این توصیف، در مثالی که در سطرهای قبل ذکر گردید محدوده‌ی جریمه‌ی شخص حقوقی بین سه میلیون و دویست هزار دلار تا شش میلیون و چهارصد هزار دلار متغیر خواهد بود.

۵.۲. مرحله پنجم: تثبیت (انتخاب) جریمه^۲

پس از تعیین محدوده‌ی جریمه‌ی پیشنهادی متعاقب ضابطه‌های مورد اشاره، ضروری است که دادگاه محاکمه‌کننده، از آن میان، مبلغی را به‌عنوان جریمه‌ی قابل اعمال بر شخص حقوقی خاطی اختیار و آن را به اجرا گذارد. در مقام پاسخ به این پرسش که آیا دادگاه در این مرحله اختیار عدول از محدوده‌ی مشخص شده یا به‌عبارتی افزایش یا کاهش آن را دارد یا نه، باید پاسخ مثبت داد با این قید که ضروری است دلیل‌های توجیهی خود را در این خصوص ذکر نماید (Ibid:8c2.9). در هر صورت دادگاه، هم در انتخاب میزانی از جریمه در محدوده‌ی معیار، و هم در عدول از معیار می‌بایست تصمیم خود را مدلل سازد (Alhenis, 2009: 56).

از جمله عامل‌هایی که دادگاه جریمه‌ی شخص حقوقی مجرم را در چار چوب معیار بر می‌گزیند عبارت است از: انعکاس شدت جرم، افزایش ارباب-بازدارندگی، ارتقای احترام به قانون، نقش سیاست سازمانی در تحقق جرم، مشخص کردن این‌که قربانی آسیب‌پذیری آماج جرم شخص حقوقی قرار داشته است یا خیر؟ این‌که نمره‌ی مجرمیت شخص حقوقی بیش از ده یا کم‌تر از صفر است یا خیر، هرگونه سابقه‌ی کیفری قبلی افراد و پرسنل بالای شخص حقوقی و یا این‌که اشخاص مذکور در وقوع جرم مشارکت داشته‌اند و یا به‌عمد وقوع جرم را نادیده گرفته باشند. خسارت‌های غیر مالی که علاوه بر خسارت‌های مالی از قبیل رفتار مجرمانه‌ی شخص حقوقی به‌بار نشسته است،

1. Determining the Fine Range

2. Selecting the Fine

هرگونه سوء رفتار کیفری یا مدنی^۱ که در معیارهای تعیین کیفر (United States Sentencing Commission: 8C2.6) پیش بینی نشده است و از منظر دادگاه محکوم کننده حایز اهمیت تشخیص داده شود، این که شخص حقوقی در زمان وقوع جرم از داشتن برنامه‌ی مؤثر انطباق با قانون و برنامه‌ی اخلاقی - اخلاق حرفه‌ای - (Ibid: 8B2.1)، میزان درآمد شخص حقوقی و ظرفیت کسب درآمد و وضعیت منابع مالی آن، تبعاتی که جریمه‌ی مقرر برای کارمندان یا کلیه‌ی اشخاصی که به هر طریق از لحاظ مالی به شخص حقوقی محکوم وابسته‌اند، دولتی بودن شخص حقوقی خاطی و اثر سوئی که تحمیل جریمه به آن بر خدمات عمومی به جای می‌گذارد، این که آیا قرار جبران خسارت کیفری صادر شده است و یا قبلاً خسارت به بار آمده جبران شده است یا نه؟ هزینه‌ی احتمالی برای دولت نسبت به نظارت بر شخص حقوقی در دوران تعلیق مجازات، این که آیا شخص حقوقی متخلف نسبت به تنبیه اعضای خاطی از قبیل ناظر، مدیر و یا کارمند چه تدبیری اندیشیده است و به طور کلی این که برای جلوگیری از رخ دادن دوباره‌ی چنین جرمی چه اقدام‌هایی صورت داده است (Ibid: 3572 (a)).

چنان که اشاره شد، به‌عنوان یک استثنا، دادگاه می‌تواند با توسل به توجیه‌هایی از معیارهای توصیف شده عدول، و جریمه‌ی نهایی مورد حکم را افزایش یا کاهش دهد و از این ره گذر به تحقق هر چه بهتر هدف‌های مجازات، به‌ویژه بازدارندگی کمک نماید (Alhenis, 2009: 56). مهم‌ترین عامل‌هایی که می‌تواند در اقتناع قاضی دادگاه به کاهش سطح مجازات معیار، مؤثر در مقام باشند عبارتند از:

۱. عمومی بودن شخص حقوقی^۲ مجرم (United States Sentencing Commission: 8C4.7)
۲. چنانچه دامنه‌ی قربانیان مستقیم شخص حقوقی خاطی، فراتر اعضا به غیر سهام‌داران تسری یافته باشد (Ibid: C4.8)
۳. پرداخت خسارت بزه‌دیده از سوی شخص حقوقی زیان زنده یا توافق بر پرداخت (Ibid: C4.9)
۴. پایین بودن نمره‌ی مجرمیت شخص حقوقی (Ibid: C4.9)
۵. چنانچه قصور و رفتار بزه‌دیده در وقوع جرم شخص حقوقی مؤثر باشد (Ibid: 5K2.10)
۶. اگر نماینده‌ی شخص حقوقی برای اجتناب از تحقق یک خسارت بزرگ‌تر مرتکب جرم شده باشد (Ibid: 5K2.11)
۷. چنانچه نماینده‌ی شخص حقوقی جرم مربوطه را تحت اجبار^۳ یا اکراه^۴ یا اخاذی^۵ مرتکب شده باشد (Ibid: 5K2.12)

1. Any prior Civil or Criminal Misconduct
 2. Public Entity/Person
 3. Coercion
 4. Duress
 5. Blackmail

۸. در صورتی که جرم غیر خشن^۱ بوده و نماینده‌ی شخص حقوقی آن را در حالی که از نوعی ضعف نفس (توانایی)^۲ رنج می‌برده مرتکب شده باشد (Ibid:5K2.12)
۹. این که شخص حقوقی مربوطه، به صورت داوطلبانه، جرم ارتكابی را گزارش دهد (Ibid:5 k2. 16).
- در برابر عامل‌های فوق، عامل‌هایی قرار دارند که به دادگاه محکوم کننده این اختیار را می‌دهد تا ورای ضابطه و معیار تعیین شده، سطح مجازات را افزایش دهد (Gruner, 1994: 661-669). به این ترتیب که:
۱. وقتی که جرم شخص حقوقی منجر به مرگ یا خسارت بدنی^۳ شود و شامل یک خطر یا خسارت بدنی قابل پیش بینی باشد (United States Sentencing Commission, 8C4.2)
 ۲. جرم شرکت تهدیدی علیه امنیت ملی^۴ باشد (Ibid:8C4.3)، اگر جرم شرکت تهدیدی علیه محیط زیست^۵ محسوب شود (Ibid:8C4.4)
 ۳. چنان جرم شخص حقوقی امنیت اقتصادی و بازار را تهدید کند (Ibid:8C4.5)
 ۴. در صورتی که نماینده‌ی شخص حقوقی در رابطه با جرم شخص حقوقی به یک مأمور عمومی^۶ رشوه پرداخت یا در خصوص تلاش خود را نماید (Ibid:8C4.6)
 ۵. چنان چه درجه‌ی (نمره‌ی) تقصیر^۷ شخص حقوقی به دلیل نداشتن یک برنامه‌ی تبعیتی و اخلاقی مؤثر^۸ (انطباق با قانون یا قانون‌مداری) کاهش یابد، برنامه‌ای که می‌بایست در راستای اجرای دستور دادگاه یا یک دستور اداری خاص به منصفی اجرا گذارده می‌شد (Ibid:8C4.10)
 ۶. اگر شخص حقوقی حسب معیار مجرمیت دارای نمره‌ی بیش از ده باشد و به طرز استثنایی درجه‌ی مجرمیتش ارتقا یابد (Ibid:8C4.11)
 ۷. چنان چه بزه‌دیده جرم شخص حقوقی از صدمه‌ی روانی حاد^۹ رنج ببرد (Ibid:5K2.3)
 ۸. اگر نتیجه‌ی جرم شخص حقوقی وقفه‌ی جدی در وظایف دولتی^{۱۰} باشد (Ibid:5K2.7)
 ۹. اگر نماینده‌ی شخص حقوقی^{۱۱} جرم مربوطه را به منظور تسهیل و یا پنهان داشتن جرمی دیگر مرتکب شده باشد (Ibid:5K2.9)

1. Non- Violent
2. Diminished Capacity
3. Death or Bodily Injury
4. Threat to National Security
5. Environmental Threat
6. Public Official
7. Culpability Score
8. Effective Copliance and Ethics Program
9. Psychological Injury
10. Governmental Function
11. Legal Person Agent

۱۰. در صورتی که جرم شخص حقوقی سلامت یا امنیت عمومی^۱ را به خطر اندازد و چنین خطری در معیار تعیین کننده محدوددهی جریمه، مورد محاسبه و مد نظر قرار نگرفته باشد (Ibid:5K2.8)

۱۱. اگر رفتار مجرمانه‌ی شخص حقوقی متضمن جرایم خشونت‌باری چون آدم‌ربایی، توقیف غیرقانونی، استفاده از اسلحه، شکنجه و یا اعمال تروریستی باشد (Ibid:5K2.14).

علاوه بر موارد دوگانه‌ی فوق، دادگاه می‌تواند اگر نمونه‌ی چنین عامل‌هایی در گونه‌ی دیگری از جرایم نیز وجود داشته باشد که در زمان تعیین محدوددهی جریمه‌ی پیشنهادی، نسبت به آن توجهی صورت نپذیرفته باشد و هم‌چنین در وضعیت‌های نادر و با رجوع به دلیل‌هایی که مورد توجه رهنمودهای کمیسیون تعیین مجازات قرار نگرفته است، نسبت به عدول از چارچوب معیار ترسیم شده، به سمت صعود یا نزول اقدام کند (Gruner, 1994: 670).

از مقایسه‌ی مطلب‌های مذکور با آنچه در بند پیش آمد، معلوم می‌شود معیار حاکم بر جزای نقدی اشخاص حقوقی در ایران در مقایسه با معیار پذیرفته شده در آمریکا تا چه میزان ساده است. به شرحی که گذشت، قانون مجازات اسلامی با دو تا چهار برابر کردن و قانون جرایم رایانه‌ای با سه تا شش برابر کردن جزای نقدی اشخاص حقوقی در قیاس با اشخاص حقیقی، در صدد اثر بخش‌تر کردن این ضمانت اجرا برآمده است. این شیوه، بیش از اشخاص حقوقی بزرگ و شرکت‌های تجاری پردرآمد، در برابر اشخاص حقوقی با درآمد پایین واجد خصیصه‌ی بازدارندگی است. ضمن این‌که دربردارنده‌ی مکانیزم روشنی برای اصلاح شیوه‌ی جرم‌زا و خط‌مشی خطاکارانه‌ی اشخاص مزبور نیست. حال آن‌که مشاهده شد که چگونه در نظام کیفری آمریکا جریمه‌ی مبنای مندرج در جدول، بر حسب مؤلفه‌های متعددی چون درجه‌ی تقصیر، زیان ناشی از جرم، میزان انطباق یا عدم انطباق پذیری اشخاص حقوقی با قانون، تلاش یا عدم تلاش آن‌ها برای ترمیم خسارت وارده بر بزه‌دیده و ضریب حداقل و حداکثری که در نظر گرفته شده است، تغییر و تعدیل می‌یابد. این رویه، از یک‌سو تعقیب هدف‌های مجازات، به‌ویژه بازدارندگی، اصلاح (تغییر شیوه و سیاست) و حمایت از بزه‌دیده را ممکن می‌نماید و از سوی دیگر از فروپاشی و ورشکستگی اشخاص حقوقی به دلیل توجه به واقعیت مالی آن‌ها جلوگیری می‌کند.

۳. جزای نقدی اشخاص حقوقی برحسب تراز مالی سالانه (معیار مورد اهتمام نظام کیفری انگلستان)

در نظام کیفری انگلستان شایع‌ترین ضمانت اجرای مورد اعمال بر اشخاص حقوقی مجرم، جریمه یا همان جزای نقدی است (Wells, 2005: 156). در نظام مزبور تا قبل از سال ۲۰۰۷ جریمه‌ی

1. Public Health or Safety

اشخاص حقوقی متخلف نه بر اساس تراز سالانه و گردش مالی آن‌ها، که بر مبنای معیار ثابتی که بین اقل و اکثر دوران داشت و از اثر بخشی و قدرت بازدارندگی چندانی نیز برخوردار نبود، تعیین و اعمال می‌شد.^۱ اما هیأت مشورتی تعیین کیفر^۲ به هدف تقویت بازدارندگی مجازات مزبور مبادرت به انتشار سند راهنمایی کرد که در آن بر توجه به پنانسیل مالی و قدرت پرداخت اشخاص حقوقی به عنوان پایه‌ای برای پرداخت جریمه‌ی مالی تأکید شده بود. چارچوبی که توسط مرجع مزبور ترسیم گردید، شدت جزای نقدی را نسبت به معیار حاکم بر قانون‌هایی چون قانون سلامت و ایمنی حین کار و رویه‌ی جاری در برابر اشخاص حقوقی پردرآمد افزایش، و در برابر اشخاص حقوقی کم درآمد کاهش داد.

از نظر هیأت مورد اشاره، کسر در صدی از میان‌گین گردش مالی راه‌کار مناسبی برای انطباق جریمه مورد حکم و وضعیت اقتصادی و مالی شخص حقوقی تشخیص داده شد. چنین ایده‌ای پرسش‌هایی چند را بر می‌انگیزد. اول این که، چند درصد گردش مالی می‌بایست منظور شود تا از اثر بخشی لازم برخوردار باشد؟ دوم این که، لحاظ درصدی از گردش مالی شخص حقوقی در یک سال پیش از ارتکاب جرم ملاک خواهد بود یا منظور کردن درصدی از میانگین گردش مالی چند سال پیش از وقوع جرم معیار مناسب‌تری است؟ سوم این که، بر فرض پذیرش یکی از معیارهای مذکور آیا دادگاه طی دستور یا قرار شیخ حقوقی متهم را وادار به ارائه صورت وضعیت مالی مطابق واقعیت موجود خواهد نمود؟ چهارم این که، در صورت مثبت بودن پاسخ، ضمانت اجرای تخلف شخص حقوقی از این تصمیم دادگاه چیست؟

در برابر پرسش‌های فوق باید عنوان داشت از نظر هیأت مشورتی منطقی‌ترین معیار برای تحمیل جریمه به شخص حقوقی خاصی، ملحوظ نظر قرار دادن پنج درصد میانگین تراز مالی سه سال آخر قبل از ارتکاب جرم ارتكابی است تا از این ره‌گذر واقعیت مالی شخص مزبور احراز، و مبنای محکومیتش قرار گیرد. این هیأت هم‌چنین معتقد است که عامل‌هایی چون سابقه‌ی شخص حقوقی در رعایت استانداردها و پیروی از مقرره‌ها و ضابطه‌ها، تلاش برای رفع نقص‌ها و ضعف‌های سیستمی به محض آگاهی نسبت به آن‌ها، اقرار به ارتکاب جرم و پذیرش مسؤولیت در برابر آن، مؤثر در تخفیف مجازات شخص حقوقی تا دو و نیم درصد و عامل‌هایی نظیر دفعه‌های ارتکاب جرم، وخامت خطر ایجاد شده، وجود انگیزه‌ی منفعت‌جویی و افزایش درآمد در کاستن از تدبیرهای

۱. چنان که هیأت مشورتی تعیین کیفر این کشور در واکنش به محکومیت شرکت ترنسکو به پرداخت مبلغ پانزده میلیون پوند برابر قانون سلامت و ایمنی حین کار، اظهار داشت که این مبلغ به‌رغم قرار گرفتن در زمره‌ی بالاترین مبلغ قابل تحمیل بر اشخاص حقوقی، با توجه به این که پایین‌تر از یک درصد گردش مالی این شخص حقوقی متخلف قرار دارد، متضمن هدف بازدارندگی خاص یا عام نیست (R.V Transco, Plc, 2006, EWCA, Crime 838 and See: Mathews, R, 2008:125).

2. Sentencing Advisory Panel

ایمنی و بهداشتی، وقوع قتل یا صدمه‌های شدید بدنی، فقدان برنامه‌های تطبیق با قانون، مؤثر در تشدید مجازات شخص حقوقی تا ده درصد خواهد بود (Matthew, 2008: 121-122).

پیرامون احراز وضعیت واقعی مالی شخص حقوقی نیز باید گفت در سند دیگری که در نهم سپتامبر ۲۰۱۰ از سوی هیأت مشورتی تعیین مجازات منتشر شد، بر الزام شرکت‌های متهم، به ارایه‌ی صورت وضعیت مالی^۱ و جزئیات حساب دارایی خود در تمام دادرسی‌های کیفری به‌گونه‌ای که موجب اطلاع دقیق دادگاه رسیدگی‌کننده از موجودی، درآمد و گردش مالی آن‌ها شود، تأکید گردید. پیش‌تر نیز در جریان تحلیل لایحه‌ی قتل غیر عمد و آدم‌کشی شرکت‌ها^۲ این مهم مورد توصیه و تأکید کمیسیون مشترک مجلس عوام انگلستان قرار گرفته بود.^۳ به اعتقاد این هیأت بایسته است که دادگاه محکوم‌کننده مبادرت به صدور قرار در این خصوص نماید و شخص حقوقی را مکلف به تحویل ترازنامه‌های سالانه و تمامی اسناد و صورت‌حساب‌های سود و زیان سه ساله‌ی پیش از ارتکاب جرم کند.^۴ امتناع عمدی شخص حقوقی از دستور دادگاه، موجب جرم جدید و قابل کیفر خواستی است که آن را در معرض ضمانت اجرای نقدی دیگر قرار می‌دهد. ضمن این‌که دادگاه مجاز خواهد بود چنین شخصی را متمکن بر پرداخت هر مبلغ جریمه فرض کند.^۵ با این وجود، در یک‌صورت آن‌هم زمانی که قدرت بالای اقتصادی و توان بالای مالی شخص حقوقی بر دادگاه مبرهن باشد، ضرورتی به احراز تمام و کمال وضعیت مالی این شخص و اطاله‌ی زمان در این خصوص نیست (Ibid:126).

به این ترتیب می‌توان مدعی شد که مجموعه راه‌کارهای مذکور ضمن تلاش بر احراز وضعیت مالی اشخاص حقوقی به‌عنوان پیش شرط تعیین جریمه‌ی قابل اعمال بر این اشخاص، بر نوع‌های مختلف اشخاص حقوقی اعم از پر درآمد و کم درآمد تأثیر یک‌سویه‌ای خواهد گذاشت. این خط‌مشی با اجرا گذاردن عدالت کیفری در حق همگی، از بروز هرگونه تبعیض ناروا نسبت به آن‌ها جلوگیری خواهد کرد. راه‌کاری سوای این، از یک‌طرف، ارزش‌های مالی اشخاص حقوقی بزرگ و ثروت‌مند را چندان‌که مورد انتظار است تحت تأثیر قرار نخواهد داد و از طرف دیگر، اشخاص حقوقی با گردش مالی و دارایی معمولی را به‌ورطه‌ی ورشکستگی خواهد کشاند. ضمن این‌که

1. Financial Circumstance Order

2. Corporate Manslaughter and Corporate Homicide Act 2007

۳. هرچند به علت استدلال مخالفان مبنی بر این‌که دادگاه‌ها برای کشف حقیقت به‌طور طبیعی از اختیار واداشتن اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی برای ارایه‌ی مدارک دال بر وضعیت مالی خود هستند و از این‌رو ضرورتی به تصویب مقرره‌ای در این زمینه نیست، این موضوع در قانون مورد اشاره درج نگردید (Matthews:127).

4. Sentencing Guidelines Council "Corporate Manslaughter & Health and Safety Offences Causing Death: Definitive Guideline" at [24.]

۵. صدور قرار وضعیت مالی منحصر به اشخاص حقوقی نیست و پیش‌تر نیز قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ این کشور دادگاه‌ها را مختار به صدور چنین قرار در قبال اشخاص حقیقی نموده بودند (Criminal Justice Act 2003, (S162).

ارتباط قشر عظیمی از افراد جامعه با اشخاص حقوقی منحل شده قطع، و آن‌ها را از آثار و خدمات آن‌ها محروم می‌سازد (Wong, 2012: 31).

خالی از اهمیت نیست که اشاره شود به شرکت کوچکی به نام ژوتکنیکال کاست‌ولد^۱ در انگلستان که به اتهام قتل غیر عمد یکی از کارکن‌های خود محاکمه و سرانجام به جزای نقدی سیصد و هشتاد و پنج هزار دلار محکوم گردید. شرکت مزبور بنا به جهت‌های گوناگون از جمله سنگینی جریمه به حکم صادره اعتراض کرد. یکی از بحث‌های پر مجادله‌ی حاکم بر دادگاه تجدیدنظر ناظر به سطح جریمه‌ی مورد حکم دادگاه بدوی بود. زیرا این میزان جریمه، معادل بیست و پنج درصد گردش مالی سالانه‌ی شرکت بود و ورشکستگی آن را در پی می‌داشت. با این وجود، دادگاه اعتراض شرکت را وارد ندانست و اظهار داشت: انحلال شرکت به رغم مایه‌ی تأسف بودن، اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا این وضعیت نتیجه‌ی سهل‌انگاری و مسامحه‌ی فاحش این شخص حقوقی در ایفای وظیفه‌ی قانونی است (R.V. Costwold Geotechnical (Holding) Ltd[2011]EWCA Crime 1337, Cited in Bastable, 2011:238). چنان‌که ملاحظه می‌شود، این موضع قدری سخت‌گیرانه به نظر می‌رسد. برای گریز از افراط و تفریط در اعمال جزای نقدی نسبت به اشخاص حقوقی رجوع به دستورالعمل کمیسیون مشورتی که واکنش مالی علیه شخص حقوقی را منوط به تعیین سطحی از جریمه که بازدارنده باشد و میزان مجرمیت شخص حقوقی نماید و در عین حال بقای آن را تهدید نکند منطقی می‌نماید. این رویکرد، علاوه بر افزایش احساس مسؤولیت عموم اعضا و سهام‌داران در قبال فعالیت‌های شخص حقوقی، مدیریت ارشد آن را وادار می‌نماید برای پرهیز از محکومیت به جریمه‌ی شدید، نظارت بر مدیران میانی و کارمندان شخص حقوقی را تشدید، و در اصلاح شیوه‌ی تصمیم‌گیری شخص حقوقی متبوع تجدید نظر کند.^۲ از مجموع مطلب‌های مذکور بر می‌آید، نظام کیفری انگلستان بدون ورود به ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های معیار نظام کیفری آمریکا در تعیین جزای نقدی اشخاص حقوقی و بدون گذر از مرحله‌های پنج‌گانه پیش‌گفته، از طریق احراز گردش واقعی مالی این اشخاص و کسر درصدی آن که در مجموع معیاری قابل توجه به نظر می‌رسد، در صدد تقویت اثر بخشی مجازات بر آن‌ها برآمده است. این معیار با توجه به توان اثرگذاری بر ارزش‌های مالی کلیدی اشخاص حقوقی، در مقایسه با معیار نظام کیفری ایران که به ضابطه‌ی ساده‌ی دو تا چهار برابر کردن (عموم جرایم) یا سه تا شش برابر کردن (جرایم رایانه‌ای) جزای نقدی اشخاص حقوقی توسل جسته است به مراتب جامع‌تر است. با این وصف و با توجه به فقدان اصول راهنمای کیفری در نظام کیفری ایران، الگوپذیری از معیار ساده‌تر نظام کیفری انگلستان، برای رفع نقص سیستم فعلی، منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

1. Costwold Geotechnical

2. R.v. Balfour Beatty Rail Infrastructure Service Ltd(2006) EWCA crime. 1586 At Paras 42-3, Cited in Ibid:124-124. And also, Schlegel, K. Just Deserts for Corporarion Criminals, Boston: Universiry Northeastern University Press, 1990, P.32-33.

نتیجه گیری

به رغم رو به تنوع گذاردن واکنش‌های کیفری قابل اعمال بر اشخاص حقوقی، جزای نقدی ن مرسوم‌ترین ضمانت اجرایی است که از سوی نظام‌های کیفری پذیرنده‌ی مسؤولیت کیفری اشخاص مذکور از جمله ایران، آمریکا و انگلستان علیه‌ی آن‌ها به‌ویژه اشخاص حقوقی تجاری به منصفه اجرا گذارده می‌شود. تأمین هدف بازدارندگی و تقویت احساس مسؤولیت اشخاص حقوقی در ترسیم خطمشی صحیح و تدوین برنامه‌ی انطباق با قانون، از مهم‌ترین دلیل‌های تحمیل این مجازات نسبت اشخاص حقوقی به حساب می‌آید. به رغم وجود ضمانت اجراهای دیگری چون خدمت اجتماعی، الزام به اصلاح وضعیت جرم‌زا، ممنوعیت از صدور برخی اسناد تجاری، ممنوعیت افزایش سرمایه از طریق رجوع به عموم، انتشار حکم محکومیت، انحلال، تعطیلی موقت و مصادره‌ی اموال به جرگه‌ی ضمانت اجراهای کیفری جرایم اشخاص حقوقی، جزای نقدی به‌واسطه‌ی قدرت تأثیر گذاری بر ارزش‌های مالی اشخاص حقوقی که اغلب بر پایه‌ی اصل هزینه- منفعت و بر اساس ریسک‌های محاسبه شده و به‌طور کلی بر مبنای عقلانیت اقتصادی مرتکب جرم می‌شوند، هم‌چنان به‌عنوان مهم‌ترین ضمانت اجرای قابل اعمال تلقی می‌شود. با این‌همه، چنان‌چه از مجازات مزبور بدون سنجش و مطالعه پیرامون گردش مالی، درآمد و حساب سود و زیان اشخاص حقوقی استفاده شود، از یک‌سو اشخاص حقوقی کم درآمد و با توان مالی ضعیف را با خطر انحلال مواجه خواهد کرد و از دیگر سو در برابر اشخاص حقوقی بزرگ و پر درآمد که به ارتکاب جرم به‌عنوان کالای قابل خرید می‌نگرند، کارایی چندانی نخواهد داشت. به همین دلیل از زمان ظهور مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی تا به اکنون، سیاست کیفری نظام‌های حقوقی در قبال چگونگی تعیین جزای در جهت دستیابی به معیارهایی که اثری کاهنده بر نرخ جرایم اشخاص حقوقی ایجاد و آن‌ها را به شهروندانی قانون مدار و هنجارمند تبدیل کند، متغیر و رو به تحول بوده است. سیاست تحمیل جریمه بر اساس مبلغی از پیش تعیین شده که در ابتدای امر به کار گرفته شد و هنوز هم در مقرره‌های کیفری کشورهای چون ایران انعکاس جدی دارد، نا کارآمدی خود را در بازدارندگی اشخاص حقوقی تجاری بزرگ و غیر متمرکزی که از گردش مالی سالانه‌ی بالا و درآمد سرشاری برخوردارند، به‌وضوح نشان داده است. چه، آن‌ها به جرم، به منزله‌ی کالای قابل خریدی می‌نگرند که قادرند هر آینه از طریق پرداخت جریمه، مرتکب شوند. بدین‌سان، کنار نهادن تدریجی معیارهای ساده و کم‌اثر و رجوع به معیارهای چندگانه و محاسبه شده‌ایی چون تعیین جریمه‌ی مبنای، تعیین سطح جرم، تعیین درجه تقصیر، شدت زیان وارده، سیاست جرم‌زا و یا بر عکس، وجود برنامه‌های انطباق با قانون، تعداد کارمندان و پرسنل شخص حقوقی- مورد اقبال نظام کیفری آمریکا- و نیز صدور قرار احراز وضعیت مالی و تدقیق در گردش مالی و سود خالص سالانه‌ی شرکت‌های تجاری- مورد اقبال نظام کیفری انگلستان- به‌منظور انطباق بیش از پیش جزای نقدی با توان مالی آن‌ها و اثربخشی این ضمانت اجرا به امری اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. نظام کیفری ایران نیز متأثر از این خطمشی و به منظور افزایش ضریب تأثیر جزای نقدی اشخاص

حقوقی می‌تواند پیشنهادهای زیر را مطرح نظر قرار دهد:

۱. مبلغ جریمه‌ی تحمیل شده بر اشخاص حقوقی دو یا چند برابر جریمه‌ی قابل اعمال بر اشخاص حقیقی برای ارتکاب همان جرم باشد. این همان شیوه‌ایی است که قانون مجازات اسلامی ایران با تأسی از نظام کیفری فرانسه اتخاذ، و اعمال آن را در قبال جرایم رایانه‌ی اشخاص حقوقی (ماده‌ی ۷۴۷) و سایر جرایم (ماده‌ی ۲۱) پیش‌بینی کرده است.
۲. طریق دیگر، تحمیل جریمه بر اشخاص حقوقی با توجه به درآمد و متوسط گردش مالی چند سال قبل از ارتکاب جرم است. آن‌سان که نظام کیفری انگلستان راه‌برد مزبور را در برابر جرایم مهمی چون قتل غیر عمدی شرکت‌های تجاری به منصفی اجرا گذاشته شده است.
۳. رَه‌یافتِ دیگر، تدوین اصول راهنمای تعیین کیفر و ملحوظ نظر قرار دادن مؤلفه‌هایی چون سطح جرم، نمره‌ی مجرمیت - با لحاظ کیفیات مخففه و مشدده - جهت دست‌یابی به جریمه‌ی مناسب قابل اعمال بر اشخاص حقوقی است. چنان‌که نظام کیفری آمریکا از رَه‌گذرِ این رویکرد، اثر بخشی مجازات مذکور نسبت به اشخاص حقوقی مجرم را تقویت نموده است. انتظار آن است که رویکرد آینده سیاست کیفری ایران به گونه‌ایی باشد که با تدوین اصول راهنمای تعیین کیفر به این مهم جامه‌ی عمل بپوشاند.
۴. افزون بر موردهای فوق، ضروری می‌نماید قانون‌گذار معیاری مجزا برای اعمال جریمه بر اشخاص حقوقی، آن‌جا که هیچ جریمه‌ایی برای اشخاص حقیقی جریمه‌ای پیش‌بینی نکرده - مانند جرم خیانت در امانت - تعیین کند.
۵. سرانجام، تفاوتی که قانون‌گذار میان جرایم رایانه‌ای اشخاص حقوقی که قابل به سه تا شش برابر و سایر جرایم آن‌ها که معتقد به دو تا چهار برابر میزان مقرر برای اشخاص حقیقی است، پذیرفتنی نیست و ضرورت دارد معیاری واحد بر هر دوی آن‌ها حکم فرما شود.
۶. هم‌چنین، پیش‌بینی موردهایی چون سابقه‌ی حسنه‌ی شخص حقوقی، اقرار به ارتکاب جرم و پذیرش مسؤلیت، هم‌کاری با مرجع قضایی، عمومی بودن شخص حقوقی، داشتن برنامه‌ی انطباق با ضابطه‌ها و مقرردها به‌عنوان کیفیات مخفف و لحاظ عامل‌هایی چون شدت تقصیر شخص حقوقی، شدت زیان وارد شده، سابقه‌ی محکومیت، نداشتن برنامه‌ی انطباق با ضابطه‌ها و مقرردها به‌عنوان کیفیات مشدده مجازات حائز اهمیت می‌نماید.

منابع

- چایلدز، پ. ۱۳۸۸. گزیده‌ی رویه‌ی قضایی انگلستان. ترجمه‌ی آوا واحدی نوایی، چاپ اول، نشر میزان. (کتاب)
- دادبان، ح. و آقای، س. ۱۳۸۸. بازدارندگی و نقش آن در پیش‌گیری از جرم. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۳۹(۳): ص ۱۴۸-۱۲۵. (مقاله)

- رحمدل، م. ۱۳۸۹. تناسب جرم و مجازات. چاپ اول، انتشارات سمت. (کتاب)
- روح الامینی، م. ۱۳۸۷. دگرگونی‌های مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه. فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، ۴(۲): ص ۱۵۵-۱۲۹. (مقاله)
- شریفی، م. ۱۳۹۳. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، تهران. (مقاله)
- شریفی، م. و دیگران ۱۳۹۳. دگرگونی‌های مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران. مجله حقوقی دادگستری، ۸۲: ص ۱۵۹-۱۱۷. (مقاله)
- صادقی، م. ۱۳۷۶. مروری بر حقوق جزای انگلستان. چاپ اول، نشر حقوق دان. (کتاب)
- صفاری، ع. ۱۳۹۱. توجیه یا دلیل آوری برای مجازات. مقالاتی در جرم شناسی و کیفرشناسی، ۱: ص ۳۹۴-۳۵۴. (مقاله)
- عبداللهی، ا. ۱۳۸۹. درس‌های از فلسفه کیفری: درآمدی بر مسؤولیت کیفری بدون تقصیر در نظام حقوقی انگلستان و ایران. چاپ اول، انتشارات خرسندی. (کتاب)
- فرج‌اللهی، ر. ۱۳۸۸. مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه. چاپ اول، نشر میزان. (کتاب)
- مهرا، ن. ۱۳۹۲. دانشنامه حقوق کیفری انگلستان. چاپ اول، نشر میزان. (کتاب)
- Apel, R & Paternoster, R 2011. Fundamentals of Corporate Culture of Criminogenic, In: Simpson, Sally & Weisburd, David; The Criminology of White-Collar Crime. (Book)
- Bastable, G. 2011. Corporate Convictions, Criminal Law and Justice Weekly, 16th April, Vol.175. (Book)
- Cavadino, M & Dignan, J. 2002. The Penal System: An Introduction, 3rd edn, London. (Book)
- Deckert, K; Corporate Criminal Liability in France in: Pieth, Mark pieth & Ivory, Radha; Corporate Criminal Liability, Springer, 2011. (Book)
- Dimento, J and Geis, G. 2005. Corporate Criminal Liability in the United States in Tully, S; Resarch Handbook on Corporate Legal Responsibility. (Book)
- Edvard Haigh, Benjamin 2011. An Analysis of Corporate Manslaughter and Corporate Homicide Act (2007): A Badly Flawed Reform? Available at: <http://etheses.dur.ac.uk/3518/> (Web site)
- Elliott, Cathrine and frances Quinn, *Criminal Law*, Mizan, Tehran. 2006. (Book)
- Hanna-Moffat, Kelly. 2005. "Criminogenic Need and the Transformative Risk Subject: Hybrization if Risk/ Need Penalty", Punishment and Society, Vol.7. (Book)
- Henning, P.J. 2009. Corporate Criminal Liability and the Potential for Rehabilitation, American Criminal Law Review. (Book)

- Matthews, R. 2008. Guide to The Corporate Manslaughter and Corporate Homicide Act 2007, Oxford University Press, October, 2008. **(Book)**
- Murphy, C and Liam B. 2006. Submission of the New South Wales Council for Civil Liberties to the NSW Legislation Review Committee Inquiry into strict and absolute liability, www.nswccl.org.au. **(Web site)**
- Nanda, V. 2011. Corporate Criminal Liability in the United States: Is A New Approach Warranted? In Pieth, M; Corporate Criminal Liability, Springer. PP. 64-89. **(Journal)**
- Reilly, David J. 1988. Murder, Inc: The Criminal Liability of Corporations for Homicide, Seton Hall Law Review, 18. **(Book)**
- Sahlool Hashim, J. 2013. Corporate Criminal Liability: A Comparison Between the Law the United States and Saudi Arabia. **(Book)**
- Schlegel, K. 1990. Just Deserts for Corporation Criminals, Boston: University Northeastern University Press. **(Book)**
- Stanton, J. 2007. Strict Liability: stigma and regret, Oxford Journal of legal studies, VOL. 27, NO.1. **(Book)**
- Wells, C. 2001. Corporate Criminal responsibility, 2nd end, Oxford. **(Book)**
- Wells, C. 2005. Corporate Criminal Responsibility, in; S. Tully (ed.), Research Handbook on Corporate Responsibility, London. **(Book)**
- Wells, C. 2011. Corporate Criminal liability in England and Wales in Pieth, M and Ivory R, Corporate Criminal liability, Springer. PP. 91-111. **(Journal)**
- Wilson, W. 2013. Criminal Law, University of London International Programmers,. www.London international.ac.uk. **(Web site)**
- Wong, K. 2012. Breaking the Cycle: The Development of Corporate Criminal Liability, A dissertation Submitted in Partial Fulfilment of of the Requirements of the Degree of Laws (Honours) at the University of Otago. **(Book)**